

واکاوی شأن نزول آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» در تفاسیر اهل سنت

سید رضا مؤدب*

هادی رزاقی هریکنده‌یی**

چکیده

یکی از آیات مرتبط با موضوع انتصاب امام علی (ع) به امامت در روز غدیرخم، آیه نخست سوره معارج است. درباره شأن نزول این آیه میان مفسران اختلاف نظر است. برخی به صراحت و بعضی به اشاره، شأن نزول آیه را مربوط به حادثه غدیر دانسته‌اند. عده‌ای شأن نزول آیه را درباره یکی از صحابه پیامبر (ع) دانسته که به‌عنوان نشانه صحت جریان غدیر از خداوند درخواست عذاب نمود. در این میان گروهی به عمد به جعلی بودن روایات ناظر به این شأن نزول حکم نموده‌اند. این مقاله ضمن بررسی دیدگاه‌های یاد شده از اهل سنت، به بررسی آنها و نقد شبهات پیرامون آن می‌پردازد و شأن نزول این آیه را در ارتباط با جریان غدیرخم و تأیید امامت حضرت علی (ع) می‌داند.

واژگان کلیدی

آیه ۱ معارج، آیه سأل سائل، غدیرخم، شأن نزول، امامت امام علی (ع).

moadab_r113@yahoo.com

razaghi@nit.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۹

*. استاد دانشگاه قم.

**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۰

طرح مسئله

در سال دهم هجرت، پس از حجة الوداع حماسه غدیر رخ داد که می‌توانست ضامن سعادت ابدی بشر و نجات‌بخش انسان از ضلالت و گمراهی باشد. حادثه غدیر خم یک نقل تاریخی خاص نیست که زمان آن گذشته باشد و نیز یک حادثه شخصی نیست که پیامبر اکرم ﷺ فقط ﷺ را به‌عنوان وصی خود (چنان‌که شیعه می‌گوید) و یا به‌عنوان محبوب جامعه اسلامی (چنان‌که جمعی از اهل سنت می‌گویند) معرفی نموده باشد بلکه در غدیر سرنوشت مسلمانان پس از پیامبر ﷺ تعیین گردید. از این‌رو غدیر نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که به مذاق عده‌ای گوارا و برای برخی ناگوار است. امامت برای پیروان مکتب علوی حجتی است قاطع که برای هیچ‌کس عذری باقی نگذاشت. چنانکه حضرت زهراء ﷺ در پاسخ به عذر تراشی انصار که گفتند اگر قبل از بیعت با ابوبکر این سخنان را می‌شنیدیم او را به علی ﷺ ترجیح نمی‌دادیم، فرمود: «و هل ترک أی یوم غدیر خم لأحد عذرا (صدوق، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۱۳) آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی عذری باقی گذارد.»

آیاتی از قرآن کریم نیز نتیجه و حاصل رخداد غدیر؛ یعنی امامت حضرت علی ﷺ را تأیید می‌کند که از جمله این آیات آیه «سأل سائل» می‌باشد.

با بررسی انجام شده، عده‌ای از علما و مفسرین اهل سنت شأن نزول این آیه را در مورد نعمان بن حارث دانسته‌اند که از خداوند درخواست عذاب داشته و عذاب الهی هم نازل شد. اما برخی دیگر از علما و مفسرین با شک و تردید به این اتفاق نگریسته و نهایتاً یکی از شأن نزول‌های آیه را درباره نعمان بن حارث فهری دانسته‌اند. برخی دیگر نیز در انکار این واقعه بر آمدند و احادیث در این خصوص را کاملاً جعلی تلقی نموده‌اند که شرح هر یک چنین است:

۱. عده‌ای از مفسران واقعه درخواست عذاب توسط نعمان بن حارث را مربوط به غدیر خم و مرتبط با امامت حضرت امام علی ﷺ می‌دانند. از جمله آنها عبارتند از: ابو عبیده هروی (م ۲۲۳ ق) در تفسیر غریب القرآن، ابواسحاق ثعلبی نیشابوری (م ۴۲۷ ق) در الکشف و البیان، عبدالله حاکم حسانی (م ۴۸۰ ق) در شواهد التنزیل، شمس‌الدین شربینی (م ۹۷۷ ق) در السراج المنیر.

۲. برخی از مفسران یکی از شأن نزول‌های آیه را درباره نعمان بن حارث فهری دانسته‌اند. اما به صحت مطلب که مربوط به غدیر خم است اشاره‌ای نکرده، از این‌رو برخی از آنها این قول را با کلمه (قیل) بیان نموده‌اند. از آن جمله عبارتند از: جلاله زمخشری (م ۵۳۸ ق) در الکشاف، فخر رازی (م ۶۰۶ ق) در مفتاح الغیب، یحیی قرطبی (م ۶۷۱ ق) در الجامع لاحکام القرآن، جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در الدرر

واکاوی شأن نزول آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» در تفاسیر اهل سنت □ ۵۷

المنثور، ابو السعود عمادی (م ۹۸۲ ق) در تفسیر ابوالسعود، و محمود الوسی (م ۱۲۷۰ ق) در تفسیر الوسی.

۳. کسانی نیز مانند ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) در کتاب منهاج السنه قائل به جعلی بودن حادثه نعمان بن حارث و ارتباط آن با واقعه غدیر خم می‌باشد که به بررسی آن پرداخته می‌شود.

بررسی شأن نزول آیه سأل سائل

یکی از آیاتی که درباره حادثه غدیر خم نازل شده و مرتبط با امامت حضرت علی علیه السلام است آیه «سأل سائل» است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ. (معارج / ۲ - ۱)

تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شود. این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را دفع کند.

عده‌ای از اندیشمندان اهل سنت این آیه را مربوط به جریان غدیر دانسته و درباره شأن نزول آن چنین نوشته‌اند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سرزمین غدیر خم به سر می‌بردند مردم را ندا داده و همه را جمع کرد. آنگاه دست علی بن ابی‌طالب را گرفت و فرمود: هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست. این خبر شایع شد. از آن جمله خبر به نعمان بن حارث فهری رسید. او در حالی که بر شتر خود سوار بود از شتر خود پایین آمده، سپس شتر را خوابانید و پای او را بست. آنگاه به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد در حالی که در میان جمعی از اصحاب خود بود. عرض کرد: ای محمد! ما را از جانب خداوند امر کردی تا شهادت به وحدانیت خدا دهیم و اینکه شما رسول خدایی، ما هم قبول کردیم و امر نمودی تا پنج نوبت نماز بخوانیم آن را نیز قبول کردیم و ما را به زکات و روزه ماه رمضان و حج امر کردی، آنها را نیز قبول کردیم. به این راضی نشدی تا آنکه بازوان پسرعمویت را بالا برده و او را بر ما برتری دادی و گفتی: «من کنت مولاه فعلی مولاه» هر کس که من مولای اویم این علی مولای اوست. آیا این مطلبی بود که از جانب خود گفتی یا از جانب خدای عزوجل؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به کسی که جز او خدایی نیست همانا این مطلب از جانب خداوند بوده است. در این هنگام نعمان بن حارث به پیامبر پشت کرده و به‌سوی راحله خود حرکت کرد در حالی که

می‌گفت: بار خدا یا! اگر آنچه محمد می‌گوید حق است بر من سنگی از آسمان
ببار یا عذابی دردناک بر من بفرست. او به شتر خود نرسیده بود که خداوند بر او
سنگی فرستاد که بر سر او خورد و از پشت او بیرون آمد و به قتل رسید. در
این هنگام بود که خداوند عزوجل این آیه را نازل کرد: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ،
لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ». (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰ / ۳۵ و ابن‌الجوزی، ۱۴۰۱: ۱۹ و
حاکم حسکانی، ۱۹۷۴: ۲ / ۳۸۲)

مفسران معتقد به ارتباط شأن نزول آیه «سأل سائل» با غدیر خم

جمعی از مفسران اهل سنت معتقدند که آیه شریفه «سأل سائل بعذاب واقع» مرتبط با حادثه غدیر خم
است که به اختصار به نقل دیدگاه آنها پرداخته می‌شود.

۱. ابو عبیده هروی (م ۲۲۳ ق)

ابو عبید هروی از جمله مفسرانی است که در تفسیرش، در ذیل آیه «سأل سائل» شأن نزول آن را در
مورد نعمان بن حارث بیان می‌کند و می‌نویسد:

هنگامی که رسول خدا ﷺ در غدیر خم آنچه قرار بود ابلاغ کند به مردم رساند و
آن مطلب در شهرها منتشر شد. وقتی خبر به نعمان بن حارث رسید نزد
پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای محمد! تو ما را از جانب خدا امر کردی که
شهادت به وحدانیت خدا دهیم و اینکه تو رسول خدایی، ما هم قبول کردیم. و
امر نمودی تا پنج نوبت نماز بخوانیم. آن را نیز قبول کردیم. و ما را به زکات و
روزه ماه رمضان و حج امر کردی آنها را نیز قبول کردیم. به این راضی نشدی تا
آنکه بازوان پسرعمویت را بالا برده و او را بر ما برتری دادی و گفتی: «من کنت
مولاه فعلی مولاه» هر کس که من مولای اویم این علی مولای اوست ... تا آخر
روایت. (امینی، ۱۳۶۶: ۱ / ۲۳۹)

۲. روایت ثعلبی نیشابوری (م ۴۲۷ ق)

ابو اسحاق نیشابوری در تفسیرش، شأن نزول آیه را در مورد نعمان بن حارث بیان می‌کند، و
در این باره روایتی را از سفیان بن عیینه نقل می‌کند. وی می‌نویسد:

زمانی که سؤال کننده‌ای از سفیان بن عیینه از تفسیر گفتار خداوند عزوجل و

شأن نزول آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» سؤال کرد که درباره چه کسی نازل شده است؟ سفیان در پاسخ گفت: از مسئله‌ای از من سؤال کردی که هیچ‌کس پیش از تو درباره این مسئله از من چیزی نپرسیده است. پدرم حکایت کرد برای من از جعفر بن محمد، از پدران علیه السلام که چون رسول خدا در غدیر خم بود، مردم را ندا کرده و فراخواند، و مردم جمع شدند، آنگاه دست علی را گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه»، این گفتار شیوع پیدا کرد، و به شهرها رسید، و از جمله به نعمان بن حارث فهری رسید، و به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، در حالی که بر روی شترش سوار بود و تا به پیامبر رسید از شتر خود پیاده شد، و شتر را خوابانید، آنگاه به پیغمبر گفت: یا محمد! تو از جانب خداوند ما را امر کردی که شهادت دهیم: جز خداوند معبودی نیست، و اینکه تو فرستاده و پیامبر از جانب خدایی! و ما اینها را قبول کردیم و پذیرفتیم! و تو به ما امر کردی که در پنج نوبت نماز بخوانیم، و ما پذیرفتیم! و تو به ما را امر نمودی که زکات اموال خود را بدهیم، و ما پذیرفتیم! و تو ما امر کردی که یک ماه روزه بگیریم، و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که حج انجام دهیم، و ما پذیرفتیم! و پس از اینها به اینها راضی و قانع نشدی، تا آنکه دو بازوی پسر عمویت را گرفته، و برافراشتی، و او را بر ما سروری و آقایی دادی و گفتی: من کنت مولاه فعلی مولاه. آیا این کاری که کردی از جانب خودت بود، و یا از جانب خداوند عزوجل؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آنکه جز او خداوندی نیست، این از جانب خدا بوده است. نعمان بن حارث، پشت کرد و به‌سوی شتر خود می‌رفت و می‌گفت: «اللهم ان کان ما یقول محمد حقاً فامطر علینا حجاره من السماء او ائتنا بعذاب الیم؛ بار پروردگارا اگر آنچه را که محمد می‌گوید، حق است، سنگی از آسمان بر ما ببار، و یا آنکه عذاب دردناکی برای ما بفرست». نعمان بن حارث، هنوز به شتر خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان بر او زد، و آن سنگ بر سرش خورد، و از پشتش خارج شد، و او را کشت، و خداوند عزوجل این آیه را فرستاد: - سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ - (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰ / ۳۵)

جمعی از مفسران اهل سنت به نقل از ثعلبی در تفاسیر خودشان حادثه نعمان بن حارث را با نگاه تأییدی نقل کرده‌اند، از این‌رو برای اختصار از آوردن آنان خودداری می‌شود. به‌عنوان نمونه: شیخ الاسلام حمّوئی در *فرآند السمّطین*، (حمّوئی، ۱۳۹۸: ۱ / ۸۲) جمال‌الدین محمد بن یوسف زرنندی در *درر السمّطین*، (زرنندی، ۱۳۷۷: ۹۳) ابن صباغ مالکی در *الفصول المهمه*، (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲: ۲۴) و زین‌الدین مناوی شافعی در *فیض‌التقدیر* (مناوی، ۱۴۰۸: ۶ / ۲۱۸)

۳. عبیدالله حاکم حسکانی (م ۴۸۰ ق)

حاکم حسکانی این واقعه را از پنج طریق روایت کرده است. در تمام این طرق پنج گانه یک شأن نزول را برای آیه نقل نموده است و آن در خصوص نعمان بن حارث فهری می باشد. (ر.ک: حاکم حسکانی، ۱۹۷۴: ۲ / ۲۸۹ - ۲۸۶)

۴. شمس الدین شربینی قاهری (شافعی م ۹۷۷ ق)

شربینی قاهری تفسیرش درباره کسی که از خدا طلب عذاب نموده بیان می کند که در این مسئله اختلاف است، گروهی می گویند آن شخص نعمان بن حارث بوده، و عده ای مانند ابن عباس قائل اند آن شخص نصر بن حارث بوده است. وی همان شأن نزول پیش گفته را در مورد این آیه بیان می کند و آن را مربوط به نعمان بن حارث می داند. (شربینی، ۱۴۲۵: ۴ / ۳۶۴)

مفسران معتقد به یکی از شأن نزول های آیه «سأل سائل» مرتبط با غدیر خم: جمعی از مفسران اهل سنت نیز ضمن گزارش اقوال در مورد آیه سأل سائل به حادثه نعمان بن حارث هم اشاره ای داشته اند که به شرح ذیل است:

۱. ابوبکر یحیی قرطبی (م ۲۷۱ ق)

ابوبکر یحیی قرطبی در تفسیر خود چندین شأن نزول را درباره این آیه ذکر می کند. یکی از شأن نزول های ذکر شده را درباره نعمان بن حارث بیان داشته و آن را با لفظ «قیل» بیان می کند. وی می نویسد:

قائلی گفته است: این سائل نعمان بن حارث فهری است، زمانی که او شنید پیامبر ﷺ در مورد علی ﷺ فرموده: «من كنت مولاه فعلي مولاه» در نزد حضرت آمد و گفت: ای محمد تو به ما هر دستور که خواستی دادی ... و الآن می گویی علی برتر از همه است؟ آیا این حرف از طرف خدا است؟ یا از ناحیه خودت؟ پیامبر فرمود: والله من چیزی نمی گویم مگر از جانب خدا. حارث برگشت و می گفت: خدایا اگر آنچه محمد می گوید درست است بر من سنگی از آسمان بفرست و یا عذابی برایم بیاور، پس به خدا قسم او هنوز به مرکب خود نرسیده بود سنگی از آسمان فرود آمد و از پشت او بیرون شد و این آیات نازل شد. سأل سائل بعذاب واقع. (قرطبی، ۱۹۸۵: ۱۸ / ۲۷۹)

۲. ابوالسعود عمادی (م ۹۸۲ ق)

ابوالسعود نیز در تفسیر خود به اینکه شأن نزول آیه کریمه «سأل سائل بعذاب واقع» در مورد چه کسی

واکاوی شأن نزول آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» در تفاسیر اهل سنت □ ۶۱

نازل شده است اقوال مختلفی را ذکر می‌کند که ازجمله آنها همان شأن نزول مربوط به نعمان بن حارث است. (ابوالسعود، ۱۴۱۹: ۵ / ۳۸۸)

۳. محمود آلوسی (م ۱۲۷۰ ق)

آلوسی نیز درباره اینکه شأن نزول آیه در مورد چه کسی بوده است چندین شأن نزول را نقل می‌کند. یکی از این شأن نزول‌ها سؤال‌کننده را نعمان بن حارث معرفی می‌نماید و آن را با لفظ قیل روایت می‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۷: ۲۹ / ۵۵)

برخی از علما و مفسرین اهل سنت نیز همین شأن نزول را ذکر نموده‌اند ولی نام سائل را «نضر بن حارث» ذکر نموده‌اند. ازجمله آنها عبارتند از: جلال‌الله زمخشری در *الکشاف* (زمخشری، ۱۳۸۵: ۴ / ۶۰۸)، عبدالله بن عمر بیضاوی در *تفسیر بیضاوی* (بیضاوی، ۱۹۹۸: ۵ / ۲۴۴)، فخر رازی در *مفاتیح الغیب* (فخر رازی، ۱۴۲۱: ۳۰ / ۱۲۲ - ۱۲۱)، ابن کثیر دمشقی در *تفسیر القرآن العظیم* (ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۴۶) و جلال‌الدین سیوطی در *الدر المنثور* (سیوطی، ۱۳۶۵: ۶ / ۲۶۴)

محمد رشید رضا در *تفسیر المنار* ابتدا به اینکه شأن نزول آیه در مورد «نعمان بن حارث» است را می‌پذیرد، و در این خصوص روایتی را نیز از ثعلبی نقل می‌کند. ولی در ادامه به‌طور کل این قضیه را نفی می‌کند. او با الهام از ابن تیمیه تمام شبهات و اشکالات وی را مطرح می‌کند. (رشید رضا، بی‌تا: ۶ / ۲۶۴)

معتقدین به جعلی بودن روایات در خصوص شأن نزول آیه

برخی از محدثان و متکلمان اهل سنت نیز مانند ابن تیمیه ارتباط روایت «من كنت مولاه فعلي مولاه» را با آیه «سَأَلَ سَائِلٌ قبول ندارند و قائل به جعلی بودن چنین ارتباطی هستند و به جهات مختلف اشکالاتی را در این باره مطرح می‌کنند. ابن تیمیه در برابر علمای اسلام، مورخان، محدثان و مفسران، احادیث مستفیضه را انکار می‌کند و در آنجا که با مذهب‌اش همراه نباشد به‌صراحت نسبت کذب و دروغ می‌دهد، و شیعه را رافضی، بی‌دین، ملحد، زندیق و کذاب می‌خواند. به‌عنوان نمونه وی می‌نویسد:

از اهل هوی هیچ‌کس مانند رافضه دروغگو نیست، خوارج هرگز دروغ نگفته‌اند بلکه راستگوترین مردم‌اند با آنکه به بدعت و گمراهی دچار شده‌اند ... اما رافضه دروغگویند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۵: ۲ / ۹)

ابن تیمیه با علامه حلی (متولد ۶۴۸ هـ) معاصر بوده و کتاب *منهاج السنه* را در رد کتاب علامه حلی،

منهاج الکرامه فی معرفه الامامه، نوشته است. او در کتاب منهاج السنه با طرح اشکالاتی به انکار و تکذیب روایات وارده در شأن نزول آیه مورد بحث پرداخته است. در ادامه به بیان و نقد شبهات مطرح شده از سوی ابن تیمیه پرداخته می‌شود.

۱. عدم ارتباط سوره معارج با جریان غدیر

با توجه به اینکه سوره معارج مکی می‌باشد و آیاتش مربوط به قبل از هجرت پیامبر ﷺ است این آیه ارتباطی با جریان غدیر خم که چندین سال بعد از هجرت بوده، ندارد. ابن تیمیه در این خصوص می‌گوید:

به اتفاق اهل علم سوره معارج و از جمله آیات اول تا سوم آن مکی است و در مکه نازل شده است، در نتیجه نزول آنها ده سال یا بیشتر قبل از واقعه غدیر خم اتفاق افتاده است و از این رو نمی‌تواند ارتباطی با حادثه غدیر خم داشته باشد. (ابن تیمیه، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۱)

در پاسخ به این دیدگاه گفته شده اتفاقی را که ابن تیمیه ادعا کرده قابل نقض است؛ زیرا جمعی از مفسران و علمای اهل سنت شأن نزول آیه را در روز غدیر خم و بعد از هجرت نقل نموده‌اند، ضمن آنکه برخی از مفسران معتقدند به اینکه ممکن است در قرآن سوره‌هایی مکی باشد ولی تعدادی از آیات آن مدنی باشد، مثلاً آیه ربا - که طبق نظر اهل سنت از آخرین آیات (مدنی) نازل شده و در سوره بقره قرار دارد - مکی است.

۲. حضور نعمان بن حارث به محضر پیامبر ﷺ در ابطح مکه

ابن تیمیه می‌گوید:

در برخی نقل‌ها آمده است که سرگذشت غدیر پس از مراجعت از حجه الوداع در سرزمین جحفه اتفاق افتاده است، اما حقیقت آن است که شأن نزول آیه مربوط به جحفه نبوده است بلکه اگر در خصوص نعمان بن حارث باشد مربوط به وقتی است که وی در «ابطح» خدمت پیامبر رسیده و ابطح جزئی از سرزمین مکه است. از این رو نمی‌تواند شأن نزول در جحفه، مورد قبول باشد. (ابن تیمیه، همان: ۴ / ۳۳)

در پاسخ به این شبهه گفته شده که در تعدادی از روایات از جمله سیره حلبی و سبط ابن جوزی بیان شده است که نعمان بن حارث در مسجد مدینه به حضور پیامبر ﷺ رسید و این گفتگو میان آنها اتفاق افتاد. از این رو در این روایات تعبیری از ابطح دیده نمی‌شود.

ضمن آنکه اگر هم قائل به شأن نزول آیه در ابطح باشیم باز آن روایات می‌تواند درست باشد؛ زیرا ابطح در لغت عرب به سرزمین شنزار گفته می‌شود و هر منطقه‌ای از جمله جحفه را نیز شامل می‌شود و مختص به منطقه خاصی نیست. از این رو اهل لغت^۱ بیان می‌دارند که ابطح، علم خاص برای مکه نیست، بلکه اسم جنس است، و بر ابطح مدینه که ذی حلیفه است نیز گفته می‌شود. در مورد حضرت سیدالشهداء^{علیه السلام} گفته شده است در بطحاء کشته شده است، با اینکه معلوم است که حضرت را در کربلا کشته‌اند و مراد از ابطح، ابطح عراق و زمین‌های رملی است که از کوفه تا بصره ادامه دارد نه ابطح در مکه. (محدث قمی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۱۰؛ حسینی طهرانی، ۱۴۲۸: ۹ / ۱۵۹) از این رو ابطح به سرزمین شنزار گفته می‌شود و شامل هر نقطه‌ای است که سیل از آن عبور می‌کند، و فقط مختص آن منطقه مذکور (در مکه) نیست.

۳. عدم نزول عذاب خداوند با وجود پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در میان امت

گفته شده است تا زمانی که شخص پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در میان امت باشد خداوند کسی از امت پیامبرش را عذاب نمی‌کند. بر این اساس عذاب نعمان نمی‌تواند صحیح باشد. ابن تیمیه در این باره می‌نویسد:

تا زمانی که شخص پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در میان امت باشد خداوند کسی را از امت پیامبر عذاب نمی‌کند. و این آیه به سبب مطلبی است که مشرکان در مکه گفته‌اند، و بعد از آن هم عذابی به خاطر آن نازل نشد؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال / ۳۳) و [ای پیامبر!] تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد. و [نیز] تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. (ابن تیمیه، همان: ۴ / ۳۵)

در پاسخ گفته شده که منافاتی نیست از اینکه عذاب خداوند در مکه بر مشرکان وارد نشده باشد اما در مکان دیگری بر نعمان بن حارث نازل گشته باشد. همچنین آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه عذاب جمعی بر آنها وارد نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۹ / ۶۹) ضمن آنکه از برخی روایات اهل سنت استفاده می‌شود که در عصر پیامبر^{صلی الله علیه و آله} برخی از اشخاص مورد عذاب قرار گرفتند. از آن جمله عبارتند از: یک. مسلم در صحیح خود به سندش از ابن مسعود نقل می‌کند که قریش نافرمانی رسول خدا

۱. فیومی می‌نویسد: «و البطحه والابطح کل مکان متسع» هر مکان وسیعی را بطیحه و ابطح گویند، و ابطح در مراد محصص است. (فیومی، ماده بطح) و جوهری می‌نویسد: «بطحه أي القاه علی وجهه فانطح» یعنی او را برو درافکند، و او بر چهره‌اش در روی زمین پخش شد. و ابطح مسیل واسعی است که در آن شن‌های نرم و ریگ‌های ریز باشد و جمع آن اباطح و بطاح باشد. (جوهری، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۷۰)

نمود و از قبول اسلام سرباز زد، پیامبر ﷺ در حق آنها نفرین کرد و به خداوند عرض کرد: «بار خدایا! همانند هفت سال یوسف بر آنان قحطی بفرست.» در این هنگام بود که خشکسالی شبه جزیره حجاز را فرا گرفت و کار به جایی رسید که مردار می‌خوردند و از شدت گرسنگی و عطش، آسمان را همانند دود مشاهده می‌کردند. (مسلم بن حجاج، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴۲؛ بخاری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۷۳۰)

دو. ابن عبدالبر نقل می‌کند: پیامبر ﷺ هرگاه راه می‌رفت به طرف راست و چپ مایل می‌شد. حکم بن عاص آن حرکت را به جهت استهزای حضرت انجام می‌داد. پیامبر ﷺ روزی او را دید که چنین کاری را انجام می‌دهد، حضرت او را نفرین کرد. از همان روز به حالتی مبتلا شد که هنگام راه رفتن بدنش می‌لرزید. (عبد البر، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۵۹)

سه. بیهقی به سند خود از اسامه بن زید نقل کرده که رسول خدا ﷺ کسی را به محلی فرستاد، او بر رسول خدا ﷺ دروغ بست. حضرت او را نفرین کرد. او را مشاهده کردند که از دنیا رفته و شکمش پاره شده است و هنگام دفن هر چه خواستند او را خاک کنند، زمین او را قبول نکرد. (سیوطی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۳۰)

۴. عدم شهرت عذاب نعمان بن حارث

ابن تیمیه معتقد است واقعه عذاب نعمان بن حارث نمی‌تواند درست باشد، چون اگر چنین قضیه‌ای پس از حادثه غدیر در ملأ عام اتفاق افتاده بود مسلماً در میان صحابه مانند قصه اصحاب فیل معروف می‌شد و قابل انکار نبود. (ابن تیمیه، همان: ۴ / ۳۶)

در پاسخ باید گفت که مقایسه عذاب نعمان با قصه اصحاب فیل مقایسه صحیحی نیست؛ زیرا داستان اصحاب فیل، حادثه‌ای عظیم و همگانی بود، از این رو خبر آن سریع بین مردم پخش شد، برخلاف قصه نعمان بن حارث که قضیه‌ای فردی و در محدوده‌ای خاص بوده است، از طرفی از آنجا که این قصه از فضایل حضرت علی ﷺ شمرده شده، به نظر می‌رسد سعی مکتب خلفا در طول تاریخ در مخفی داشتن آن بوده است، همچنان که شأن نزول این آیه به قدر کافی مشهور است که حداقل در سی کتاب از کتب تفسیر و حدیث آمده و علامه امینی در *الغدير* آنها را بیان نموده است. (امینی، ۱۳۶۶: ۱ / ۲۳۵)

۵. عدم وجود نام نعمان بن حارث در کتب معروف ضبط اسامی صحابه

ابن تیمیه معتقد است چون اسم نعمان بن حارث در برخی کتب معروف ضبط صحابی که مشاهده نموده است وجود ندارد، از این رو این قضیه نمی‌تواند صحیح باشد. او می‌گوید:

در کتاب‌های معروفی که مربوط به ضبط اسامی صحابه است، مانند کتاب /ستیعاب، نامی از نعمان بن حارث نیست؟ از این رو با عدم نقل اسم او در کتب معرفی صحابه به این نتیجه می‌رسیم که جریان عذاب نعمان بن حارث اصلاً واقع نشده است. (ابن تیمیه، همان: ۴ / ۴۱)

در پاسخ باید گفت که نیامدن نام نعمان بن حارث در لیست کتب معروف صحابه، دلیلی بر عدم وجود چنین صحابی نمی‌تواند باشد؛ زیرا آنچه در کتاب /ستیعاب و یا غیر آن درباره اسامی صحابه بیان شده، تنها مربوط به قسمتی از اسامی و نام‌های صحابه است و در بردارنده تمام اسامی صحابه پیامبر نبوده و مؤلفان آنها تا حدودی که می‌توانستند استقصاء نمودند. مثلاً در کتاب /سد الغابه که از مهم‌ترین کتبی است که اصحاب پیامبر ﷺ را برمی‌شمارد تنها از هفت هزار و پانصد و پنجاه و چهار نفر یاد می‌کند، در حالی که می‌دانیم تنها در حجه الوداع صحابه پیامبر ﷺ بیش از آمار یاد شده بوده‌اند که از مدینه در محضر پیامبر ﷺ بودند، بنابراین طبیعی است که تعدادی از صحابه آن حضرت نامشان در کتب یاد شده نباشد، از طرفی علامه امینی بیان می‌دارد اصولاً تعداد یاران و صحابه پیامبر ﷺ بیش از آن است که اسامی آنها در کتب‌ها جای بگیرد، از این رو هر کسی که درباره اسامی و تاریخ صحابه کتابی نوشته، فقط بنابر توانایی و اطلاعات خودش تعدادی از آنها را ضبط نموده است. (امینی، ۱۳۶۶: ۱ / ۲۶۶ - ۲۴۸)

استفاضه روایت عذاب نعمان بن حارث و دلالت آن بر امامت حضرت علی علیه السلام

با توجه به بیان روایاتی که در شأن نزول آیه سأل سائل که به طرق زیادی از اهل سنت نقل گردید و با در نظر گرفتن روایاتی که از طریق شیعه در این باره وجود دارد، می‌توان گفت که روایت عذاب نعمان بن حارث از نظر سندی به صورت مستفیض بیان شده است. همچنین درباره دلالت آن می‌توانیم بگوییم که روایت یاد شده یکی از ادله‌ای است که نشان می‌دهد فرمایش رسول خدا ﷺ درباره حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم یعنی: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»، به صراحت و به‌طور قطع بر امامت کبری و ولایت عظمای حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا ﷺ، دلالت دارد؛ زیرا اگر منظور رسول خدا ﷺ از ولایت، دوست داشتن و یا یاری رسانی بود، آن اعرابی هرگز اعتراض نمی‌کرد و نمی‌پرسید که آیا این سخن از خود توست یا سخن خداوند است؟ همچنین اگر سخن حضرت رسول مربوط به یاری یا دوستی با حضرت علی علیه السلام بوده دلیلی برای این اعتراض و درخواست عذاب وجود نداشت و پیامبر نیز با چشمانی سرخ، سوگند یاد کند: «والله الذي لا إله إلا هو

إِنَّهُ مِنْ اللَّهِ وَلَيْسَ مِثْلِي؛ به خدایی که جز او خدایی نیست، این سخن از خداوند است و از من نیست». و این سخن را سه بار تکرار کند. (ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۱۹)

عونی - یکی از شعرای اهل سنت - نیز بیان می‌دارد که منظور از کلام رسول خدا ﷺ (من كنت مولاه فهذا علي مولاه) در روز غدیرخم، به صراحت و به‌طور قطع بر امامت کبری و ولایت عظمای حضرت علی ﷺ پس از رسول خدا ﷺ، دلالت دارد و گرنه دلیلی وجود نداشت تا آن اعرابی منکر، در مقابل رسول به مخالفت برخیزد و با حضرت محاجّه نماید. حاکم حسکانی به نقل از او در خصوص آیه سأل سائل این چنین بیان می‌کند که عونی در این باره می‌گوید:

رسول خدا می‌گفت: این علی بن ابی‌طالب، امروز برای امت من، مولی و صاحب اختیار است، و ای پروردگار من، آنچه را که گفتم: بشنو و گواه باش! در این حال شخصی که دارای شقاق و نفاق بود، برخاست، و از روی دل دردناک و اندوهگین خود رسول خدا را مخاطب نموده و بدین جمله ندا کرد: آیا این امر از طرف پروردگار ماست، و یا تو آن را ابداع و اختراع نموده‌ای؟! و رسول خدا در پاسخ به او گفت: من پناه می‌برم به خدا، من از بدعت‌گذاران نیستم! پس آن دشمن خدا گفت: ای پروردگار! اگر آنچه را که محمد می‌گوید، حق است، پس عذابی را به‌سوی من بفرست، و بر من قرار بده! در این حال از افق آسمان، به سبب کفری که ورزیده بود، سنگی به شتاب فرود آمد، و او را در محل افتادن و زمین خوردنش، به روی خود درانداخت، و در آنجا هلاک ساخت. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۵۳۸)

نتیجه

با بررسی شأن نزول‌های یاد شده در ذیل آیه «سأل سائل»، می‌توان گفت که یکی از آیاتی را که در مورد ولایت و امامت حضرت امام علی ﷺ در روز غدیرخم مطرح شده است آیه «سأل سائل بعدذاب واقع» می‌باشد. و شأن نزول این آیه را جمعی از مفسرین اهل سنت در مورد یکی از صحابه (نعمان بن حارث) که از خداوند درخواست عذاب داشته است، آورده‌اند. هر چند بعضی آن واقعه را به صراحت مربوط به غدیرخم و در مورد حضرت امام علی ﷺ ندانسته‌اند، و برخی نیز بر آن اشاره نموده‌اند. از جمله شواهد و قرائنی که دلالت بر معنای سرپرستی در حدیث غدیر دارد، واقعه نعمان بن حارث و درخواست عذاب او می‌باشد؛ زیرا اگر مقصود از مولا در حدیث غدیر محبت و یا نصرت بود چه ضرورتی داشت که نعمان بن حارث این گونه با رسول خدا ﷺ محاجّه و به ایشان اعتراض کند

واکاوی شأن نزول آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» در تفاسیر اهل سنت □ ۶۷

و بپرسد که آیا این سخن توسل یا سخن خداوند؟ و در نهایت امر از خداوند تقاضای عذاب نماید. به طور حتم او از حدیث غدیر معنای سرپرستی و امامت حضرت علی (علیه السلام) را فهمیده بود؛ از این رو به جهت عنادی که با حضرت داشت، نتوانست تحمل نماید.

همچنین با بررسی شبهاتی که ابن تیمیه بیان کرده، می توان گفت که سخنان او گاهی خلاف واقع بوده و توسط اقوال دیگر علما مورد نقض قرار گرفته است و در برخی موارد دارای ضعف اسنادی و از تعارض برخوردار بوده و به جهت استدلال و استنباط شخصی و همراه با تعصب صورت گرفته است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۷ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الفکر.
- ابن تیمیه، تقی الدین احمد، ۱۴۱۵ ق، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدویه، الرياض، نشر مکتبه الرياض الحديثه.
- ابن صباغ مالکی، نورالدین، بی تا، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، تحقیق سامی الغریری، قم، دار الحديث.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۳۹۰ ق، استیعاب فی معرفه الاصحاب، مشهد، مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۹۸۷ م، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه.
- ابوالسعود عمادی، محمد، ۱۴۱۹ ق، ارشاد العقل السليم (تفسیر ابی السعود)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین، ۱۳۶۶، القدير فی الكتاب و السنه و الادب، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۹۹۸ م، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد، ۱۴۲۲ ق، الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، تحقیق: ابی محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م، الصحاح، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.

- جوينی، ابراهيم بن محمد، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷ م، *فرائد السمطين*، تحقيق محمد باقر محمودی، بيروت، مؤسسه المحمودی.
- حسانى، عبيدالله بن عبدالله بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *المناقب*، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية.
- _____، ۱۹۷۴ م، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى آيات النازلة فى اهل البيت (ع)*، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
- حسینی طهرانی، سيد محمدحسين، ۱۴۲۸ ق، *امام شناسی*، مشهد، انتشارات مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامي.
- خطيب شربيني، محمد بن احمد، ۱۴۲۵، *تفسير القرآن الكريم «تفسير السراج المنير»*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- رازى شافعى، فخرالدين محمد بن عمر، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م، *مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- رشيد رضا، محمد، بى تا، *تفسير القرآن العظيم (تفسير المنار)*، بيروت، دار الفكر.
- زرندي حنفي، محمد بن يوسف، ۱۳۷۷ ق، *نظم درر السمطين*، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين.
- زمخشرى، محمود، ۱۳۸۵ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، مصر، مصطفى البابي الحلبي.
- سبط ابن الجوزي، يوسف، ۱۴۰۱ ق، *تذكرة الخواص*، بيروت، مؤسسة اهل البيت (ع).
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن، ۱۳۷۸ ق، *الدر المنثور*، القاهرة، دار الكتب الحديثة.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علي، ۱۴۰۳ ق، *خصال*، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه.
- فيومي، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *مصباح المنير*، ماده بطح، قم، دار الهجرة.
- قرطبي، محمد بن احمد، ۱۹۸۵ م، *الجامع لاحكام القرآن*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- قمى، شيخ عباس، ۱۳۷۴، *منتهى الآمال*، قم، هجرت، چ هشتم.
- مسلم بن حجاج، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م، *صحيح مسلم*، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار الاحياء التراث العربى.
- مناوى، زين الدين عبدالرئوف، ۱۳۵۶ ق، *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، القاهرة، المكتبة التجارية الكبرى.